

چهارچوب

خوانش آمار با عینک سیاسی

رئیس مرکز تحقیقات رسانه ملی از جزئیات نظرسنجی های سازمان صدا و سیما می گوید

صفحه ۷

نگین نگارگری ایرانی

حسین حبیبی در گفت وگو با «جام جم» از سرچشمه های نگارگری گفت



۱۱ | <

رویارویی سینمای عرب با هالیوود

سینماگران کشورهای عربی به دنبال جذب سرمایه گذار برای تولیدات مستقل هستند



۱۰ | <

سینمای زیرزمینی زمینه ای برای سیاه نمایی

دلایل استقبال جشنواره های خارجی از تولیدات غیررسمی سینمای ایران را بررسی کرده ایم



۸ | <

جنگ شناختی

شیوه دیگری از جنگ های ناشناخته در جهان امروز در جریان است که عمدتاً آن را «جنگ شناختی» می نامند. جنگ شناختی در واقع نگرش و بینش افراد را از رهگذر فرآیندهای خاصی در حوزه رسانه و روان شناسی، نسبت به یک رویداد دگرگون کرده و تغییر می دهد. چنین تغییری اما بسیار غیرمحسوس و زیرپوستی است؛ ناگهانی نیست. در این باره می توان برای روشن شدن بحث به آزمایش مشهور آب و قورباغه اشاره کرد. واقعاً یکی از جلوه های جنگ شناختی را می توان در همین مثال [در مثل که مناقشه نیست] دید. به عبارتی آب را به آرامی و در بازه زمانی طولانی و بدون تغییر ناگهانی گرم می کنیم تا به نقطه جوش برسد، حتی اگر به نقطه جوش برسانیم، قورباغه درون آب با آن وفق پیدا می کند و از آب بیرون نمی پرد تا این که سرانجام جانش را از دست می دهد! کسانی که وارد حوزه جنگ شناختی می شوند باید سواد علوم شناختی را داشته باشند؛ روان شناسی، جامعه شناسی و رسانه شناسی بیش از دیگر دانش ها برای ایستادگی در میدان جنگ شناختی به کار می آیند و لازم هستند. در جنگ شناختی، لازم است بدانیم که آنچه رسانه ها به ما ارائه می دهند تا چه میزان واقعیت دارد.

لازم است گرمایش مطالب و اخبار و سرمقاله های روزنامه ها و شبکه های تلویزیون ماهواره ای را رصد کنیم. به ویژه باید با ابزارها و سنجه های ادراک و دریافت متن و نقد آن، مطالب را ارزیابی کنیم تا به نقطه جوش نرسد. رسانه ها در جنگ شناختی بسیار با اهمیت هستند زیرا میانجی ها و واسطه هایی وجود دارند که می توانند پیام های مربوط با تغییر بینش و رفتار مخاطبان خاصی را منتقل کنند و اثرگذارانه ارائه بدهند. رسانه های داخلی کشور باید با علوم شناختی در رسانه کاملاً آشنا باشند اما مرکزی مانند مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، با تعطیلی کلاس های آموزش تخصصی در این حوزه، را را رها کرده و معطل نگه داشته است. نتیجه آن که خبرنگاران برای طی این دوره ها به خارج از کشور می روند و آنجا بر دل در گرو آموزش های زیرپوستی می نهند و ایستارهای فرهنگی و اسلامی خود را متزلزل می بینند. امید که این مراکز با همت عالی بکوشند دوره های بازآموزی و مواد درسی مناسب و لازم در این حوزه را برای رسانه ها و شبکه های اجتماعی از نو ارائه دهند تا خبرنگاران در هر سطح بتوانند با تسلط بر شیوه های جنگ شناختی، آگاهانه در برابر رسانه هایی سرفرازانه بایستند که مردم و فرهنگ و جامعه ما را آماج هجوم بی امان شان کرده و می کنند. متأسفانه در دانشگاه ها نیز چنین موضوع مهمی بسیار غریب مانده و به آن چندان پرداخته نشده است. امید که با راه اندازی رشته های رسانه و علوم شناختی در سطح ارشد و دکترا، دانشگاه ها به کمک رسانه های ما بشتابند. مصداق اصلی جنگ شناختی در این روزها، همین گزارش هایی است که درباره گفت وگوی ایران و آمریکا مطرح می شود. تناقض گویی های رسانه های بیگانه را در این باره طی چند روز گذشته می توان به روشنی مصداقی از جنگ شناختی در عرصه ای گسترده دانست. این جنگ شناختی را اگر برای مخاطبان رسانه ها و مردم بتوانیم در داخل کشور به روشنی تبیین کنیم، می توان به این باور رسید که بی شک کوشش رسانه های بیگانه در تغییر نگرش، بینش و رفتار مخاطبان ایرانی خود، چه در داخل و چه در خارج از ایران، راه به جایی نخواهد برد.

گذشته از آموزش، در این حوزه آنچه که اهمیت بنیادین دارد، پژوهش است. از سوی دیگر وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای آموزش و پژوهش خبرنگاران در این حوزه باید اهتمام و کوشش افزون تری از خود نشان بدهد.



دکتر امید مسعودی
نویسنده و استاد
دانشگاه

غفلت روایتگری از پدران شهدا

تازه ترین نشست «قاب ویژه جنگ» به کتاب «حاج جلال» اختصاص داشت

چرا باید کتاب را بخوانیم؟

سلیمانی اندرزیانی گفت: چرا باید خاطرات حاج جلال را بخوانیم؟ پدری که دو فرزند شهید دارد، خاطرات افراد در بستر تاریخ روایت می شود. حاج جلال در خاطراتش فرهنگ همدان را بیان می کند و آن نظام پدرسالارانه در همدان را نشان می دهد. پدری که هم زورش زیاد است هم بدجنس. آن قدر که پسرش را از یکسری امکانات محروم می کند تا بعداً بتواند به او سلطه پیدا کند. اگرچه موفق نمی شود این کار را انجام دهد.

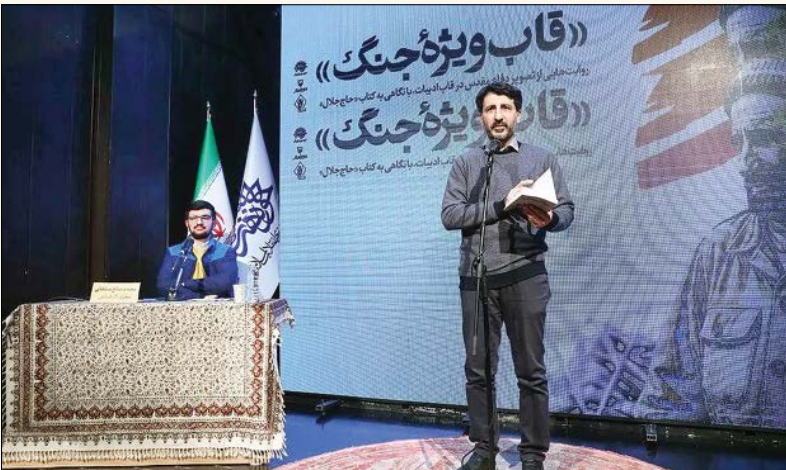
او ادامه داد: درباره عزرا و عروسی در همدان توضیحاتی می دهد. به نظرم به عنوان یک ایرانی باید بدانیم در شهرهای مختلف ایران چه آداب و رسوم وجود دارد. در جایی حاج جلال اشاره می کند که وقتی افروز را به خانه ما آوردند، یک تور قرمز روی سرش بود. اگر نویسنده کتاب هم همدانی بود، درباره جزئیات بیشتری از آداب و رسوم همدان از حاج جلال سؤال می کرد. در عین حال با نویس های زیادی در کتاب جای گرفته بود که خیلی خوب بود و اطلاعات زیادی درباره اتفاقات همدان به خواننده ارائه کرده بود.

نقاط قوت حاج جلال

صادق وفاپی، نویسنده و خبرنگار در بخش دیگری از برنامه قاب ویژه که به کتاب حاج جلال اختصاص داشت، با اشاره به نقاط قوت و ضعف این اثر گفت: از آنجا که من می دانستم دارم یک کتاب جنگی می خوانم و خودم هم کتاب جنگی را بسیار دوست دارم، تمام مدت منتظر بودم زودتر به جنگ برسیم. کتاب خیلی دیر به جنگ می رسد. اوافزود: به لحاظ فرم و ساختار به نویسنده اثر پیشنهاد می کنم جنگ را در فراز نخست کتاب به نوعی زخمی بکند. به عبارتی یک اتفاق خاص از زندگی حاج جلال را در جبهه بگوید که مثلاً چنین کاری در جنگ کرد و بعد زندگی اش را از ابتدا روایت کند.



متن کامل



پدران شهدا کتاب های خیلی کمی دیدم. گاهی مادر خاطراتش را بیان می کند و در انتهای کتاب پدر نیز خاطراتی را می گوید؛ به عبارتی پدر راوی تکمیلی است. کتاب حاج جلال نمونه خوبی است که برای ما حسرتی می آورد که چقدر پدران شهدا را از دست دادیم و آن گونه که روی خاطرات مادران و همسران شهید متمرکز شدیم، به آن اندازه سراغ پدران نرفتیم. بنابراین چنین گنجینه ای را از دست دادیم. قاضی افزود: درست است که کتاب حاج جلال روایت خانواده ای در جنگ است اما در متن جنگ نیست. به همین دلیل انتظار آغاز کتاب با یک صحنه جنگی را نداشتیم. شاید شروع کتاب با یک صحنه از جنگ بر جذابیت آن بیفزاید اما حضور حاج جلال در میدان جنگ، صحنه های آنچنانی در بر ندارد. شاید یک رزمنده در جنگ شرکت کرده و بی شمار صحنه های جذاب از جنگ در ذهنش دارد که مؤلف ترجیح می دهد قلابش را به یکی از این صحنه ها ببندازد و جلو برود تا به صحنه های خاص تر جنگ برسد. اما حاج جلال در چند صحنه جنگ حضور داشته و در اینجا بیشتر پدرا نگی اش مطرح است.

آمیزگی تلخی درد با شوخی

فاطمه سلیمانی اندرزیانی، نویسنده و منتقد نیز گفت: ما در ادبیات دفاع مقدس دو نوع روایت داریم؛ روایت



نشست «قاب ویژه جنگ» با واکاوی روایت هایی از تصویر دفاع مقدس در قاب ادبیات با نگاهی به کتاب «حاج جلال» نوشته لیلا نظری گیلانده با ارائه مرتضی قاضی، پژوهشگر و مدیر دفتر ادبیات بیداری حوزه هنری، فاطمه سلیمانی اندرزیانی، منتقد ادبی، صادق وفاپی مؤلف و پژوهشگر و حسام آبنوس روزنامه نگار در حوزه هنری برگزار شد. در این نشست، نخست مرتضی قاضی با بیان این که مخاطب پس از خواندن کتاب تردید نمی کند افرادی که در این کتاب با آنها آشنا می شود، خانواده خاصی از لحاظ حضور در انقلاب و جنگ هستند. گفت: مرتضی سرهنگی تعبیری به نام «قیمت تمام شده جنگ» دارد که به این نکته اشاره می کند که قیمت یک جنگ به واسطه حضور مستقیم و غیرمستقیم یا در بطن و حاشیه افراد برای جامعه و فرهنگ ایجاد می شود؛ به نظر من با خواندن کتاب حاج جلال و زندگی این خانواده خاص، مخاطب تردید نمی کند که این خانواده افراد در روایت حاج جلال، خانواده خاصی به واسطه حضور در جنگ و انقلاب هستند، چرا که ۱۶ نفر از اعضای خانواده از داماد گرفته تا برادرزاده هایش شهید شده اند. این منتقد و پژوهشگر بیان کرد: نویسنده باید درباره کارش بیشتر توضیح بدهد. تعداد ساعاتی که مصاحبه گرفته و افرادی که با آنها مصاحبه کرده است و... به نظرم این کتاب نمی تواند تنها خاطرات حاج جلال باشد، حتماً در تکمیل خاطرات از روایت حمیدرضا بابایی، نماینده مجلس، مریم و... بهره گرفته است. غلظت احساسات و این همه جزئیات این خاطرات نمی تواند همه برگرفته از داشته های ذهنی حاج جلال باشد. همان طور که اشاره شد این همه رنج یا گفته شده یا ساخته شده است؛ چون نویسنده باید قاب درست کند تا صحنه های جذاب از این خانواده خاص را در کتابش جای دهد.

گنجینه ای که از آن غافل بودیم

مدیر دفتر بیداری حوزه هنری اظهار کرد: از همسران و مادران شهدا کتاب خاطرات زیادی داریم اما از